



گزارش کمیته‌ی مرکزی مصوب کنگره‌ی چهاردهم حزب دمکرات کردستان

١٦ تا ٢٤ اسفندماه ١٣٨٦ (٦ الی ١٤ مارس ٢٠٠٨)



رفقای گرامی

عزیزان شرکت کننده در چهاردهمین کنگره‌ی حزب دمکرات کردستان

مقدم شما را به بزرگترین و فرازمندترین گروه‌های تشکیلاتی و ارگانی حزب سرفرازان گرامی داشته و بر تلاش و کوشش‌های چندین ساله‌ی شما در صفوف حزب درود می‌فرستیم و عضویت و حضورتان را در کنگره‌ای که تاریخ مبارزات رهایی‌بخش ملت کرد، در شرق کردستان وظیفه‌ای خطیر و مسئولیتی سرنوشت ساز را بر عهده‌ش نهاده است، تبریک می‌گوییم. سلام بر شما و بر آن دسته از مبارزین حزبی که به شما اعتماد بخشیده‌اند تا نقطه‌نظراتشان را مطرح ساخته و به نمایندگی ایشان در زمینه‌ی طرح ریزی دوباره‌ی رهیافت سیاسی و برنامه‌ی مبارزاتی حزب در فاصله‌ی بین این کنگره تا کنگره‌ی پانزدهم نقطه نظرات خود را ابراز نموده و نقشی مؤثر ایفا نمایید. سلام گرم نثار آن دسته از مبارزین سربلند و فداکاری که در عرصه و کانون اصلی مبارزه فعالیت می‌کنند ولی متأسفانه شرایط مبارزه هنوز این افتخار را نصیب ما ننموده است تا در چنین کنگره‌ای شاهد حضور آنها در کنار خود باشیم. درود بر روان پاک آن هم‌مرز و رفقای که در طول حیات حزبمان در راه اهدافشان جان برکف نهاده‌اند، سرفرازانه رفتند و ادامه‌ی راه مقدس مبارزه را چون مسئولیتی ارزشمند بردوش ما نهادند. و درودی ویژه‌ای به روان جاوید عثمان رحیمی که متأسفانه جای وی در این جمع خالی است او که از شایسته‌ترین مبارزینی بود که محق بود و می‌بایست در این کنگره ایفای نقش نماید اما مرگ نابهنگام به وی مهلت نداد.



همچنین درود بر روان رفیق محمد گادانی که تنها سه هفته پیش از برگزاری کنگره ما را وداع گفت سلام و درود بر زندانیان سیاسی‌مان که شجاعانه در مقابل زندانبانان سنگدل مقاومت کرده و آماده‌اند جان ببازند اما به اهدافشان پشت نکنند. سلام بر کلیه مردم کردستان، حامیان امانتدار حزب دمکرات کردستان و سرچشمه‌ی نیرو و توان، و بویژه سلام بر خانواده‌ی سرفراز شهدا و زندانیان سیاسی و مبارزین حاضر در سنگر مبارزه‌ی رهایی بخش ملی مان.

رفقا و هم‌زمان

تمام مراحل مبارزه حائز اهمیت و حساس اند و همه‌ی ایام مبارزه و حتی تمام لحظاتمان از ارزش ویژه‌ای برخوردارند و تلف کردنشان جنبش رهایی بخشان را دچار زیان و آسیب می‌نماید. با این حال اجازه بفرمایید تا بگوییم که این کنگره در شرایطی بس حساستر برگزار گشته و لحظات کنگره برای آینده‌ی حزب و جنبش رهایی بخش ملتمان از اهمیت بیشتری برخوردارند. ما در کمیته‌ی مرکزی با تکیه بر پشتیبانی کلیه اعضای حزب، در راستای ایجاد رفرم و پیشبرد حزب، وظایف مهمی را بردوش خود نهاده‌ایم. وعده فراوانی به دوستان و طرفداران حزبمان داده‌ایم که می‌بایست در این کنگره در مورد همه‌ی این وعده‌ها تصمیم نهایی اتخاذ گردد. بنابراین، کنگره‌ی کنونی معیار و سنگ محکی برای ارزیابی جدی بودنمان در عملی ساختن وعده‌ها و مصوباتمان خواهد بود. خوشبختانه، کنفرانسهای مقدماتی بطور کلی و در سطحی عالی در خدمت اهدافی بودند که برای کنگره و فراتر از آن برای آینده حزب مدنظر قرار داده شده بود. ما، به موفقیت‌های حزب در گذشته افتخار نموده و خود را در نارسائیه‌ها، کمبودها و نقایص آن سهیم و مسئول می‌دانیم. اما می‌توان با اطمینان بدین واقعیت اذعان نمود که کنفرانسهای کنگره‌ی چهاردهم چه از نظر



مباحثات و تحلیل‌های سیاسی و چه از نظر رعایت اصول و راهکارهای دمکراتیک و همچنین از لحاظ انتخاب نمایندگان و ترکیب و تنوع اعضا، الگو و تجلی وفاداری به وعده و پیمانها و مصر بودنمان بر ایجاد تغییر و تحولاتی دمکراتیک در راستای نوگرایی و پیشرفت حزب بوده‌اند.

ترکیب اعضای این کنگره‌مان خود سندی بر اثبات این ادعاست که مبارزین حزب در جریان برگزاری کنفرانسها چه میزان به اصولی پایبند بوده‌اند که یک سال پیش تحت عنوان "رئوس کلی خط مشی ما" آنرا اعلان داشته‌ایم. همچنانکه به یاد داریم نسبت شرکت زنان در کنگره قبل چیزی بیش از ۶٪ اعضای کنگره بوده در حالیکه خوشبختانه شاهد آنیم که این نسبت در کنگره‌ی چهاردهم حدوداً ۱۹٪ می‌باشد.

ترکیب و تنوع ساختاری کنگره در بردارنده‌ی این پیام است که در رابطه با شرکت جوانان و روشنفکران نیز گام ارزشمندی برداشته‌ایم. بهمین جهت این امید به قوت خود باقی است که همچنانکه در رئوس کلی خط مشی‌مان متعهد شده‌ایم "بایستی" این تنوع و مشارکت و پیشرفت، ارگان رهبری منتخب کنگره را نیز شامل گردد. به هر حال شرکت کنندگان در کنگره‌ی چهاردهم مسئولیت سنگینی بردوش دارند و بایستی خود را برای تحقق انتظارات اعضای حزب و به‌طور کلی مردم کردستان آماده کرده باشند مشارکت فعال و اصولی اعضا در مباحثات و تحلیلها و طرح برنامه و اسناد، ضامن موفقیت کنگره در تحقق این انتظارات می‌باشد، و موفقیت تک تک ما نیز همچو اعضای کنگره در انجام وظایفمان در گرو آنست که، تنها منافع مشروع ملت و حزبمان است که نظرات و تحلیلها را بر ما دیکته می‌نماید.



تحلیل و ارزیابی شرایط مرحله‌ی کنونی مبارزه‌ی حزبمان در انتخاب و تعیین سیاست و رهیافت مبارزه‌ی آینده‌مان وظیفه‌ی خطیری است. ما در دنیای زندگی و مبارزه می‌نماییم که پدیده‌ها رابطه‌ی تنگاتنگی با همدیگر داشته و بر همدیگر تأثیر متقابل دارند، بویژه مبارزه‌ی سیاسی در راستای دستیابی به حقوق و مطالبات ملتی که از هر طرف به پارامترهای داخلی و خارجی گره خورده است. بهمین مناسبت در این گزارش لازم می‌دانیم که بصورت اجمالی هم که باشد نظری به تحولاتی بیافکنیم که اوضاع و شرایط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی را دگرگون ساخته و به نحوی از انحاء با مبارزه‌ی رهایی‌بخش حزب و ملتمان در ارتباط می‌باشد.

روابط بین‌المللی

برخلاف سالهای پایانی قرن بیستم و حتی اوایل قرن بیست و یکم که قبلاً رقابت سختی بر روابط بین‌المللی حاکم بود و سپس جای خود را به برخی رقابتهای آرامتر و بیشتر اعلام نشده‌ی ابرقدرتهای اقتصادی و سیاسی داد، در سالهای بین دو کنگره‌ی سیزدهم و چهاردهم حزب دمکرات کردستان، فضای حاکم بر روابط بین‌المللی بویژه ابرقدرتها فضای همگرایی در راستای حل و فصل مشکلات و منازعات فی مابین از سویی و از سوی دیگر آن بخش از مشکلات منطقه‌ای و جهانی بود که هر کدام به شیوه‌ای منافع خود را در آن می‌دیدند. اگر تا چند سال پیش روابط آمریکا و اروپا و فرازتر از این روابط هندو با دو ابرقدرت چین و روسیه بر سر مسائل مرتبط با این یا آن کشور با رقابت و چالشهای سختی مواجه می‌شد و وضعیتی را پیش آورده بود که برخی از رژیمهای مستبد و ناقض قانون، نظیر جمهوری اسلامی، می‌توانستند از چنین اختلافاتی در راستای منافع سیاسی و پیشبرد اهداف نامشروع خود سود



جویند، اکنون اروپا و آمریکا و در بسیاری مواقع چین و روسیه نیز در تلاشند تا با رویکرد و دیدگاهی مشترک، با مشکلات و چالشهای جهانی و منطقه‌ای برخورد نمایند.

نزدیکتر شدن موضع و رویکرد ابرقدرتها و تلاش آنها برای در پیش گرفتن و اتخاذ رویکردی مشترک، در برخورد با مشکلات و چالشهای منطقه‌ای به ایجاد فضایی منجر گشته است که در آن بیش از پیش امید می‌رود که برخی از چالشها نظیر مسأله‌ی اسرائیل و کشورهای عرب حل گشته و افق جهانی آرامتر و رابطه‌ی سالمتری در میان دولتها و قدرتهای حاکم و حکومتهای ضعیف مشاهده شود. شکی نیست که هر چند امروزه قطب بندی از نوع دوران جنگ سرد و وجود دو اردوگاه سوسیالیستی و سرمایه‌داری در میان نیست، اما رقابت برسر دستیابی و کنترل بخش بیشتری از بازار جهانی سرمایه‌داری و منافع اقتصادی و بازرگانی همچنان ادامه داشته و هرکدام از قدرتهای بزرگ اقتصادی در تلاش برای تأمین هر چه بیشتر منافع خود از هیچ تلاشی برای عضوگیری و کنترل نمودن هر چه بیشتر بازار جهانی فروگذاری نکرده و نخواهند کرد. اما مهمتر این که، در ارتباط با مسایل سرنوشت ساز و در برخورد با خطراتی که صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌نمایند تا حدی هم رأی هستند و رقابت برسر منافع خصوصی در فضای سالمتر و آرامتر صورت خواهد گرفت.

هنوز سازمان ملل متحد که می‌بایست برسر مسایل و چالشهای بین المللی و منطقه‌ای نقش فعال و مؤثری ایفا نماید بیشتر در حاشیه به ایفای نقش پرداخته و تصمیم نهایی را ابرقدرتها گرفته و حرف اول را آنها می‌زنند. با این حال به حداقل رسیدن چالشهای موجود در میان این قدرتها زمینه را فراهم



ساخت تا نقش و مسئولیت بیشتری به سازمان ملل متحد واگذار شده و حضور آن در حل و فصل مشکلات منطقه‌ای چشمگیرتر باشد. حضور فعال این سازمان در گردهمایی و کنفرانسهای جهانی و منطقه‌ای و نقش‌آفرینی سازمان ملل متحد در مناطق ناآرامی نظیر افغانستان و دارفور سودان سرآغاز مثبتی هستند تا سازمان مزبور در آینده تأثیر چشمگیرتری بر تأمین صلح و امنیت و ثبات در مناطق ناآرام جهان داشته باشند.

سیاست آمریکا در رابطه با خاورمیانه

نمی‌توان از روابط بین‌المللی سخن گفت اما به سیاست و نقش ایالات متحده‌ی آمریکا که بعنوان بزرگترین ابرقدرت جهان کنونی در بسیاری از مسایل جهانی و منطقه‌ای نقشی فعال و مؤثر ایفا می‌نماید اشاره نماییم.

تأثیر نقش آمریکا بر مسایل جهان کنونی، گسترده‌تر از آنست که در این گزارش به تمام جوانب آن اشاره کنیم. بهمین دلیل تنها به سیاست آمریکا در رابطه با خاورمیانه و بیش از آن به بخشی که به نحوی با مبارزه‌ی مردم کردستان و کشورهای که هر کدام بخشی از خاک تقسیم شده‌ی کردستان را در بر گرفته‌اند اشاره خواهیم کرد.

نقطه‌ی شفاف در سیاست رهبری ایالات متحده در رابطه با خاورمیانه حمایت این دولت از اسرائیل و امنیت این کشور است که این مهم در نفس خود بعنوان حفاظت از يك ملت، سیاستی اصولی است اما جای تأسف است که آمریکا بیش از هر چیز از دیدگاه و چشم انداز امنیت اسرائیل به مسایل این منطقه‌ی استراتژیک و حائز اهمیت می‌نگرد و هر چیزی که بدین قضیه مرتبط نباشد، اهمیت کمتری بدان خواهد داد. اکنون مایه‌ی خوشحالی است که چنین



می‌نماید و اشننگتن برآن شده است تا راه حل آبرومندانانه‌ای برای مسأله‌ی فلسطین بیابد. اما نسبت به دیگر مسایل این منطقه که مسأله‌ی کرد مهم‌ترینشان می‌باشد سیاست شفافی را اتخاذ نکرده است. مسأله‌ی خاورمیانه بزرگ و دمکراتیزه نمودن این منطقه حال به هر دلیلی که باشد، بمحض مطرح کردنش بایگانی شد و اکنون قریب به چهار سال است که نکری از آن به میان نمی‌آید. از سویی دیگر، موضع‌گیری در مورد دو کشور واقع در این منطقه (ایران و سوریه) که هر کدام بخشی از خاک کردستان را در بر گرفته‌اند، تحت تأثیر فضای امنیتی عراق و نیروهای آمریکا در این کشور قرار گرفته است. ما هیچگاه خواستار حمله‌ی نظامی آمریکا یا هر نیروی بیگانه‌ی دیگری به ایران نبوده و نخواهیم بود. اما مسأله این است که اگر روزی موضع آمریکا علیه ایران به اکثر مردم این کشور امید و اراده می‌داد، حال پیش از دو سال است که سیاستهای مبهم آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی، مردم ایران را نسبت به جدیت آمریکا در برخورد با این رژیم به شک و تردید انداخته است.

به اعتقاد ما: آمریکا اکثر اوقات نسبت به ایران دچار تحلیل اشتباه شده است. همان موقع که سیاست مهار دوگانه را به نفع جمهوری اسلامی تغییر داد، نمی‌دانست که تا جمهوری اسلامی در قید حیات باشد نه مردم منطقه و نه دوستان و حتی نیروهای آمریکایی موجود در منطقه، از امنیت برخوردار نخواهند بود. حالا نیز قابل توجه است که این ابر قدرت برای ثبات و استقرار امنیت در عراق - امنیتی که ایران و مزدورانش بخش اعظم آنرا سلب نموده‌اند - از جمهوری اسلامی استمداد و کمک می‌طلبد و هنوز از این تردید و توهم که رژیم اسلامی می‌خواهد به ثبات و آرامی در عراق کمک نماید خلاصی نیافته است - در حالیکه همه‌ی آگاهان به این واقعیت واقفند که جمهوری اسلامی با هر



گونه تغییر و تحول، در عراق نوین از استقرار سیستمی سکولار گرفته تا دمکراتیزه نمودن جامعه و بویژه به رسمیت شناختن حقوق مردم کردستان مخالف است. حال چگونه باید انتظار داشت تا این رژیم به ثبات و آرامی در عراق و پیشبرد اهداف مشترک دولت آمریکا و مردم عراق کمک نماید.

ما بر این باوریم که حتی موضع‌گیریهای شدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی نیز عاری از ایراد و نقصان نبوده‌اند. دلیل واشنگتن جهت اقدام علیه جمهوری اسلامی و بکارگیری تحریم و تهدیدات غیر مستقیم نظامی، بیشتر بعلت تلاش رژیم برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و از سویی دیگر ضدیت رژیم با روند صلح بین عرب و اسرائیل یا حمایت از تروریسم بوده است. در حالیکه این مسایل برای اکثر جامعه‌ی ایران حائز اهمیت نبوده و در حقیقت مطالبات مردم ایران از آن نقطه شروع می‌شود که این موضوعات پایان می‌یابند.

مسائلی چون پیشگیری از مجهز شدن به سلاح هسته‌ای یا ضدیت با صلح، قادر نخواهد بود که مردم ایران را به حرکت وادارد. مطالبات ملت‌های ایران، دمکراسی، آزادی، حقوق بشر، حقوق ملی و حقوق زنان و مقولاتی از این دست می‌باشد و همین موضوعات‌اند که می‌توانند مردم کشور ما را به تحرك وادارند.

اگرچه گزارش برخی از نهادهای اطلاعاتی آمریکا مبنی بر منصرف شدن جمهوری اسلامی از دستیابی به سلاح اتمی، از دیدگاه برخی افراد و منجمله احمدی‌نژاد بعنوان موفقیتی برای جمهوری اسلامی تلقی گردید اما به نظر ما علنی ساختن این گزارش - حال مبتنی بر واقعیت باشد یا نه - به اقدامی مثبت توسط آمریکا در راستای درک صحیحی از واقعیت ایران و در پیش گرفتن رویکردی اصولی محسوب می‌شود. در حقیقت می‌بایست جهان خارج در مواجهه با جمهوری اسلامی از اتهاماتی سخن بگوید که هم اثباتشان آسان بوده و هم



اینکه می‌توانند مردم ایران را نیز بحرکت وادارند. سرکوب آزادیها، نقض حقوق بشر و حقوق ملتها، بستن روزنامه‌های دگراندیشان، بازداشت و اذیت و شکنجه و اعدام آزادیخواهان از جمله جرایمی هستند که کارنامه‌ی ۲۹ ساله‌ی جمهوری اسلامی را بطور کلی بخود اختصاص داده و همه‌ی مردم ایران را برآن گواه است.

خاور میانه

همچنانکه در جایی دیگر از این گزارش بدان اشاره شده است متأسفانه مسأله‌ی خاورمیانه از نقطه نظر و دیدگاه ابرقدرتها و در بسیاری از مجامع بین المللی نیز به مسأله‌ی اسرائیل و فلسطین یا اختلافات کشورهای عرب با اسرائیل محدود شده است، در حالیکه علیرغم حائز اهمیت بودن استقرار امنیت اسرائیل و تحقق حقوق و آزادیهای مردم فلسطین، از کسی پنهان نیست که در خاورمیانه بجز مسأله‌ی فلسطین، مسائل دیگری نیز همچنان لاینحل باقی مانده که حل مسأله‌ی کرد از مهمترین آن می‌باشد. مایه‌ی مسرت است که مسأله‌ی کرد در عراق و ظاهراً مسأله‌ی فلسطین نیز وارد مرحله‌ی نوینی شده است و امیدواریم که هر چه زودتر به نتایج مطلوبی دست یابند.

اما همه‌ی آنهایی که منافعشان در گرو تأمین و تحقق صلح و آشتی در این منطقه است باید بر این واقعیت آگاه باشند که تا هنگامی که راه حل مناسبی برای تمام مسایل و پیش از همه مسأله‌ی کرد یافت نشده است انتظار ثبات و آرامی در این منطقه دور از واقع بینی است. بنابراین وظیفه‌ی همگان است تا هر کدام در حد توان و موقعیت خود تلاش نمایند راه حلی عملی برای مسأله‌ی کرد بیابند تا منطقه از امنیتی دائمی برخوردار گشته و منافع طرفهای مرتبط نیز تأمین گردد.



مسأله‌ی کرد

وقتی به بحث در مورد مسأله‌ی کرد می‌پردازیم، مقصود مسأله‌ی ملتی قریب به ۴۰ میلیون تن است که در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان واقع گشته و خود و کشورش ناخواسته و بدون دخالت خود در میان چند کشور دیگر تقسیم گشته‌اند و تاکنون از حق تعیین سرنوشت خود محروم مانده و برای دستیابی به این حقوق مشروع و طبیعی مبارزه می‌کند.

حقیقت تلخی است که هنوز در هیچکدام از مجامع بین‌المللی آنطور که باید و شاید مسأله‌ی کرد به بحث گذاشته نمی‌شود و نهادهای تصمیم‌گیرنده‌ی جهانی بی‌اعتنا از کنار آن می‌گذرند و به خاطر منافع اقتصادی و بازرگانیشان از آن می‌پرهیزند. با این حال اکنون کرد و کردستان و مسأله‌ی بر حق ملت کرد برای نهادهای تصمیم‌گیری و مجامع و محافل سیاسی جهان موضعی غریب و بیگانه نبوده و حتی در جاهای بسیاری نام کرد عطوفت و محبت را به خود جلب می‌نماید.

نقطه‌ی دیگری که جای امیدوار نیست این است که احساس ملی‌گرایی و آگاهی سیاسی در همه‌ی بخشهای کردستان به نحوه چشمگیری اعتلا یافته است. علیرغم تمامی تلاشهای دولتهای حاکم بر کردستان، باز هم، جنبش‌های بخش ملت کرد نه تنها به خاموشی نگراییده است بلکه روز به روز متری‌تر و آگاهانه‌تر و رادیکال‌تر شده است. از همه مهمتر آن که همگرایی بی‌نظیر بر کردهای تمام بخشهای کردستان حکمفرماست. موفقیت و شکست جنبش کرد در هر بخشی، دیگر بخشها را نیز بطور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد. کوتاه سخن اینکه، فرزندان ملت کرد خود را بعنوان یک ملت و



سرزمینشان را بمثابة يك کشور واحد محسوب می‌نمایند و بطور کلی در غم و شادی هم همدیگر شریکند.

نقطه ضعف قابل توجه در جنبش‌های بخش ملی کرد پراکندگی نیروهای پیشرو آن است و همین خود به مانع بزرگی بر سر راه رسیدن این ملت به حقوق مشروع و تاریخیش بدل شده است. همچنانکه می‌دانیم نه تنها کردهای تمام بخشهای کردستان نتوانسته‌اند از طریق احزاب مبارزشان، يك استراتژی مشترك را برای مبارزاتشان تعیین نمایند، حتی نیروهای سیاسی هر کدام از بخشها نیز بر سر تعیین پلتفورمی مشترك برای مبارزه و برنامه‌ای مشترك برای حال و آینده‌ی مبارزه خود به نتیجه‌ای دست نیافته‌اند. بدتر از اینها در بخشهایی از کردستان همکاری میان نیروهای سیاسی کرد مسیر خلاف پیموده و هر از چند گاهی انشقاق در یکی از سازمانهای مبارز بنیان قصر آمال ملت کرد را بر می‌اندازد. به اعتقاد ما اختلاف و تنوع افکار در میان نیروهای سیاسی کرد آنهم در عصر بیداری و آگاهی ملل نه تنها فاجعه نیست بلکه امری طبیعی بوده و حتی نشانه‌ی بلوغ فکری نیز می‌باشد. مشکل اساسی عدم تفاهم و سازش و همکاری میان نیروهاست که اکثراً نتیجه خودخواهی و تمامیت خواهی این یا آن جریان می‌باشد. چنانچه احساس مسئولیت عنصر مسلط بر افکار همه‌ی آنها باشد و منافع عمومی ملت و میهن را بر منافع حزبی و سازمانی ترجیح دهند، هم جنبش کرد در هر کدام از بخشها قادر خواهد بود که روند تفاهم و همگرایی نیروهای سیاسی را در پیش گیرد هم اینکه کردهای تمام بخشها، علی‌رغم گوناگونی‌های فراوان شرایط مبارزه، دارای نقاط مشترك بسیاری هستند که بتوانند آنها مبنای توافق قرار داده و بر این اساس بدون



اینکه به منافع و مصالح هیچکدام از طرفین زیانی وارد شود با همدیگر همکاری نمایند.

ما بر این باوریم که این کنگره باید با اتخاذ تصمیمی مسئولانه کمیته مرکزی را موظف نماید تا وظیفه‌ی تلاش در راستای ایجاد تفاهم و به همدیگر نزدیک شدن تمام احزاب و سازمانهای شرق کردستان را در اولویت وظایف مبارزاتی خود قرار داده و از خود مایه گذاشته و با اهتمام ویژه به منفعت عمومی، تلاش کند تا در فرصتی مناسب اتحادی- حال تحت هر عنوانی باشد- در میان احزاب و سازمانهای مبارز شرق کردستان ایجاد نماید. همچنین صحیح میدانیم، کنگره کمیته‌ی مرکزی را موظف سازد به نوبه‌ی خود در راستای طرح‌ریزی یک استراتژی مشترک برای جنبش کرد در همه‌ی بخشهای کردستان تلاش کند. شاید از کسی پنهان نباشد که انجام و اجرای این وظیفه پیش از همه از احزاب و سازمانهای سیاسی جنوب کردستان بویژه دو حزب اصلی " پارت دمکرات کردستان و اتحادیه‌ی میهنی کردستان " انتظار میرود. اما این امر بدان معنی نیست که دیگر نیروهای سیاسی از آن حذر کنند یا نتوانند در آن ایفای نقش نمایند.

ایران

رژیم جمهوری اسلامی همچون همیشه و چه بسا بیشتر به سیاستهای ضدانسانی و ویرانگر خویش تداوم می‌بخشد. به دنبال دور هفتم انتخابات مجلس که در آن جناح تمامیت خواه اکثریت مجلس را تصاحب نمود و بویژه پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری که در جریان آن توانستند مهره‌ای همچون احمدی‌نژاد را بر سرکار آورند، رژیم بر این باور است که قدرت را بشکلی



یکدست در اختیار گرفته است. در فاصله کنگره‌های ۱۲ و ۱۴ حزبمان، ایران در کل و کردستان بالاخص با موج سهمگینی از زندانی کردن آزادیخواهان، اعدام، تعقیب آزادیخواهان بویژه زنان و دانشجویان مواجه گردیده است. شمار بیشتری از روزنامه‌ها و مجلات غیر دولتی توقیف گشته و شمار بیشتری از ژورنالیستها و نویسندگان دگراندیش بازداشت شده‌اند و با احکام سنگین حتی اعدام نیز مواجه گشته‌اند و یا مجبور گردیده‌اند که به خارج از کشور گریخته و یا از حق انتشار مطالب خویش محروم گردیده‌اند. نگاهی گذرا به گزارشهای کمیسیون حقوق بشر و سایر مؤسسات مدافع آزادی و حقوق بشر تصویری خوفناک از وضعیت آزادی و حقوق بشر در ایران را به نمایش می‌کشد. رژیم مصرانه با هر موردی که خلاف توقعات ارتجاعی و تمامیت خواهانه‌اش باشد مقابله نموده، و در صدد است که ریشه مقاومت و اعتراض را بخشکاند. در حالیکه برخلاف انتظار مقامات جمهوری اسلامی مقاومت اقشار آزادیخواه هرچه بیشتر فزونی یافته و اگر هم در مقاطعی ظاهر مسأله شکلی آرام بخود گرفته باشد، این هرگز بدان معنا نبوده که خشم و انزجار مردم کاهش یافته و یا آزادیخواهان دلسرد گردیده و سکوت اختیار کرده‌اند.

از سوی دیگر فتنه جویبهای مقامات ایران در کشورهای همجوار و حوزه خاورمیانه، بویژه در عراق، لبنان و فلسطین در سالیان اخیر فزونی یافته و رژیم اسلامی دگربار رویای تأسیس حکومت جهانی اسلامی - البته به رهبری خویش - را در سر می‌پروراند و تلاش می‌ورزد که از طریق اشاعه ترور و ناامن ساختن دول دیگر بویژه کشورهای همجوار هژمونی خویش را تقویت نماید. همسو با این تلاشها، کوششهای رژیم جهت دستیابی به سلاح اتمی تداوم داشته و سرپیچی در برابر مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد و آژانس



بین المللی انرژی هسته‌ای همچنان در حال ازدیاد است. بدین ترتیب سیاست داخلی و خارجی رژیم اسلامی را می‌توان در دو مورد خلاصه نمود: مقابله و ستیز با هرگونه خواست و مطالبه حقه و انسانی هم میهنان در داخل کشور و دشمن تراشی و سرپیچی و بی‌اعتنایی در برابر خواسته‌های جامعه جهانی در بعد خارجی.

با در نظر گرفتن کلیه این موارد می‌توان انتظار داشت که رویارویی خشونت بار در مقابل اعمال و رفتار جمهوری اسلامی در راه است. اگرچه تلاشهای جامعه جهانی بیشتر در راستای اعمال فشارهای اقتصادی جهت ناچار ساختن رژیم اسلامی به همسویی با مطالبات و توقعات بین الملل است، ولی سرسختی و دگم اندیشی مقامات رژیم همچنان می‌رود که احتمال حمله نظامی به ایران را شدت بخشد. مهم این نیست که هجومی از این دست امسال یا سال آتی و یا در فاصله زمانی دورتری اتفاق بیفتد. مهم آن است که احتمال رویارویی در حال فزونیت. چراکه اگر حمله خارجی به ایران از دستور کار ابر قدرتها نیز خارج گردد، مردم ایران بیش از این قادر نیستند که وضعیت کنونی و سیاست فعلی جمهوری اسلامی را تا ابد تحمل کنند و در نهایت جهت تصفیه حساب خود با رژیم، قیامی همه‌گیر و سراسری را به پا خواهند کرد.

لذا از هم اکنون خود و سایر جریانات اصلی اپوزیسیون را ملزم می‌دانیم که آماده‌سازی خود جهت احتمال روی دادن مقاومتی جدی و نهایی با ارتجاع را مدنظر قرار دهند. در حالت نخست وظیفه کلیه جریانات میهن پرست ایرانی آنست که به جای دفاع از حاکمیت و یا اعلان بی‌طرفی و نظارت صرف رویدادها بکوشند پیش از آنکه فتنه‌جویهای رژیم، ایران را به ویرانه‌ای مبدل نماید، به عمر دهها ساله رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی خاتمه



بخشند و بدین ترتیب خود اساس سیستم دولتی پس از سقوط جمهوری تاریکی و جهالت را پایه‌ریزی کنند. در هر کدام از حالت‌های اول یا دوم، ما بعنوان حزب دمکرات کردستان و سایر احزاب اپوزیسیون کرد ضروریست که تأثیرگذاری خویش بر روند وقایع را اثبات نموده و نقش فعالی را جهت تغییر اوضاع برعهده بگیریم.

همه موارد ذکر شده در گرو وحدت و همبستگی اپوزیسیون ایران در کل و اپوزیسیون کرد بالاخص می‌باشد. بارها یادآوری نموده‌ایم که سهم هر گروه و دستاوردهای هر کدام از ملل ایران در تحولات اجتماعی آینده، به میزان تأثیرگذاری و نقش آنها در تغییر وضعیت بستگی خواهد داشت. در شأن جریان مبارز نبوده و حتی به نوعی خوش خیالیست که جریانی تنها توقع آنرا داشته باشد که قدرتی خارجی و یا حتی داخلی به حاکمیت استبدادی خاتمه بخشیده، آنگاه حقوق و آزادی‌های خود و ملتش را از حاکمیت تازه به قدرت رسیده طلب کند.

نمی‌توان انکار نمود که هم در سطح سراسری و هم در سطح کردستان حزب یا سازمانی صاحب نفوذ و قدرتمند یافت نمی‌شود که به تنهایی قادر باشد اقشار مردمی را بسیج نموده و اهداف میهنی و ملی مردم را محقق سازد. پس در هر دو سطح تنها راه جهت ایفای وظایف میهنی در مقطع کنونی سازش و توافق همگی بر روی اصول اساسی برنامه‌ای مبارزاتی- است که هم وظایف همگان در زمینه رویارویی با حاکمیت را مشخص ساخته و هم خط مشی کلی سیستم اداری و حکمرانی را پس از تحولات طرح‌ریزی کند، بشکلی که کلیه تنوعات موجود در جامعه ایران تغییرات را



لمس نموده و ناچار نگردند که دگربار دور تازهای از مقاومت و رویارویی را در راستای دستیابی به حقوقشان شروع نمایند.

لازم به یادآوری نیست که دستیابی به توافقی همه‌گیر در بین جریانات مبارز و میهن پرست غیرقابل تحقق است، اگر کلیه طرفها از دو لحاظ واقع بینانه نیندیشیده و یا مسئولانه عمل نکنند که عبارتند از:

نخست آنکه هیچ طرفی نبایستی بر جزئیات برنامه سیاسی و اهداف ویژه سازمانی خویش اصرار ورزد. چون در این حالت جریانات میهنی نه تنها قادر نخواهند بود که به توافق برسند، بلکه حتی نخواهند توانست که جهت همگرایی اقدامی نیز بعمل آورند. لذا بجا خواهد بود که برسر برخی از خطوط کلی که در اهداف همگان بچشم می‌خورد، اتفاق نظر پیدا نموده و جزئیات را به آتی و فراهم آمدن فضایی سالمتر موکول نمایند. به اعتقاد ما تغییر رژیم جمهوری اسلامی، محقق ساختن آزادیهای دمکراتیک، فیدرالیزه کردن سیستم سیاسی ایران، برسمیت شناختن حقوق ملی ملل تحت ستم ایران: آذربایجانی، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن، جدایی دین از دولت و تساوی زن و مرد در اجتماع و خانواده، می‌توانند خطوط کلیدی باشند که همه جریانات ترقی خواه را به دور خویش جمع کند.

دوم: در کردستان و سراسر ایران احزاب و سازمانهای سیاسی، تمامیت خواهی و هژمونی طلبی را به کنار نهاده و از خویش مایه بگذارند تا خود بزرگ بینی به سد راه ایجاد وحدت و همبستگی در مسیر مبارزه ملی و میهنی جهت رهایی ایران مبدل نگردد.

این امر هرگز بدان معنا نیست که کلیه جریانات سیاسی چه در سطح کردستان و چه در مناطق دیگر و چه در سطح سراسری دارای نفوذ و



قدرت مشابه بوده و لذا بایستی نقش یکسانی را ایفا نموده و به یک میزان از دستاوردهای مبارزه بهره‌مند گردند. هدف تنها اینست که تفاوت قدرت و توانایی که در بین جریان‌ات سیاسی بچشم می‌خورد، عوض آنکه به ادعایی روی میز گفتگو و دیالوگ جهت ایجاد همپیمانی مبدل گردد، نخست در میدان عمل خویش را بروز داده، و سپس از طریق صندوق آرا انتخاباتی رسمیت و مشروعیت خویش را کسب کند.

شرق کردستان

طی چند دهه پس از انقلاب خلقهای ایران، شرق کردستان دگرگونیهای حائز اهمیتی را به خود دیده است. بعد فرهنگی و اجتماعی تاحدی رشد پیدا کرده است که می‌توان گفت روند توسعه فرهنگی این منطقه هم در قیاس با سایر مناطق ایران و هم در مقایسه با سایر بخشهای کردستان سرعت فزونی را در پیش گرفته است. علیرغم تمامی مانع تراشیهای مؤسسات رسمی، شعر و ادبیات و روزنامه‌نگاری و هنر در تمامی ابعاد آن: موسیقی، مجسمه سازی، تئاتر، صنایع دستی، ورزش و حتی سینما رشد امیدوار کننده‌ای پیدا کرده است، هنرمندان کرد در اغلب مسابقات منطقه‌ای و ایرانی و خارجی به جایگاههای رفیع دست یافته و به مایه سرفرازی خویش و ملتشان بدل گشته‌اند، قابل توجه آنکه نژادپرستان حاکم در این موارد نیز کینه و نفرت خویش را در حق پیشروان هنر کردی آشکار نموده و ضمن بی‌اعتنایی به موفقیت‌های آنان، از آنان تجلیل نیز بعمل نمی‌آورند.

نرخ باسوادی در کردستان بطرز چشمگیری رشد پیدا کرده است. اگرچه هنوز میزان بی‌سوادی در کردستان بالاست، اما کاهش نرخ بی‌سوادی و کسب مدارک عالی در کردستان در مقایسه با سایر مناطق ایران شتاب بیشتری داشته



است. اگر قبل از سقوط رژیم پادشاهی در اکثر شهرهای کوچک کردستان به ندرت دارندگان مدرک دیپلم به چشم می‌خوردند، امروزه صدها و حتی هزاران لیسانس و فوق لیسانس و حتی دکترا در میان روستائیشینان به چشم آمده که برآستی سهم عمده‌ای از علل این موفقیتها و پیشرفتها را می‌توان به اصرار فرزندان ملت کرد جهت ارتقاء سطح علمی و آگاهی خویش مرتبط دانست، نه تلاشهای مؤسسات رسمی حاکمیت.

وضعیت اقتصادی مردم کردستان نیز بطرز چشمگیری متحول گشته است، میزان رفاه و درآمدها فزونی پیدا کرده و فقر و تنگدستی بدان معنا که در دوره پادشاهی در کردستان بچشم می‌خورد، دیگر باقی نمانده است. با این حال پیشرفت اقتصادی کردستان دارای دو مشخصه ویژه بوده که بجاست بدان اشاره نماییم: نخست اینکه پیشرفت مذکور نتیجه برنامه‌ریزی و توجه جمهوری اسلامی به مسأله پیشرفت کردستان نبوده، بلکه سهم عمده این پیشرفت به فعالیت بخش خصوصی و نیز روابط تجاری رسمی و غیر رسمی با آنسوی مرزها بویژه اقلیم کردستان عراق مربوط است. قابل اشاره آنکه رژیم در این مورد نیز اقدام به کارشکنی نموده و سالانه هزاران نفر در حین کسب و کار در طول مرزها به سبب عبور از مناطق مین گذاری شده توسط ارتش و سپاه پاسداران جان خویش را از دست داده و یا مورد اصابت گلوله‌های نیروهای مسلح رژیم قرار گرفته، مجروح و یا به شهادت می‌رسند. دوم آنکه مشخصه این پیشرفت اقتصادی رشد شکاف طبقاتی میان اقشار ثروتمند و تنگدست در کردستان است که همچون سایر مناطق ایران اختلافات بسیاری را میان این دو طبقه‌ی اجتماعی به ارمغان آورده است.



آنچه که در مورد وضعیت اقتصادی کردستان مورد اشاره قرار گرفت، بدان معنا نیست که فقر در کردستان ریشه‌کن گشته است. چرا که وزارت " رفاه و تأمین اجتماعی "، خط فقر را در سال ۱۳۸۶ برای یک خانوار پنج نفره در شهر ۴۰۰۰۰۰ تومان و در روستا ۲۷۵۰۰۰ تومان تعیین کرده است که بر این اساس ۱۸٪ از مردم ایران زیر خط فقر بسر برده و با در نظر گرفتن این واقعیت که استانهای کردنشین جزو مناطق محروم ایران بشمار می‌آیند، می‌توان گفت که بیش از ۳۰٪ جمعیت کردستان زیر خط فقر قرار می‌گیرند.

در کردستان پدیده‌ی مذموم اعتیاد روزبه‌روز در حال ازدیاد است و هر چه می‌گذرد بر شمار جوانان معتاد افزوده می‌گردد. که علت این امر بیکاری، نبود امکانات تفریحی سالم همچون ورزش و سینما و... و بی‌اعتنایی رژیم در قبال این معضلات و بلاایست. کردستان در زمینه نرخ بیکاری در مقایسه با سایر مناطق ایران در ردیف نخست جای دارد. لذا سالانه دهها هزار نفر به شهرهای بزرگ خارج از کردستان روی می‌نهند تا شاید از طریق کار طاقت فرسای آجری بتوانند مایحتاج خانواده‌هایشان را تأمین کنند.

البته این امر نیز نبایستی فراموش گردد که غارت منابع طبیعی کردستان و انتقال آن به خارج از کردستان، همچنین سیاست به یغما بردن آثار باستانی کردستان به برنامه‌های همیشگی مقامات جمهوری اسلامی بدل گشته و در این ارتباط از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند. متأسفانه در این میان عده‌ای فرصت طلب کرد نیز با مقامات رژیم همدستی نموده و خسارات جبران ناپذیری را به منابع طبیعی و فرهنگ ملی ملتمان وارد آورده‌اند.

فشار و سرکوب نیروهای ضدحلقی رژیم در کردستان در سالیان اخیر نیز ازدیاد پیدا کرده و کردستان بموجب گذشته مبارزاتی و نیز رشد احساسات



ملی و همجواری با اقلیم کردستان بیش از پیش تحت نظارت دستگاه‌های امنیتی رژیم اسلامی قرار گرفته است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی با چشم پوشی از فعالیت‌های مکاتب و انجمن‌های اسلامی که در برخی از شهرهای کردستان شکل گرفته‌اند، سعی می‌ورزد که جوانان کرد را به دور این انجمن‌ها فراخوانده و آنان را جهت اشاعه بنیادگرایی اسلامی بکار گیرد.

نقص آزادی‌های دمکراتیک و تعقیب آزادیخواهان در کردستان بسی شدیدتر از سایر مناطق ایران بوده که این امر بیانگر تداوم سیاست‌های رژیم از نخستین روزهای بقدرت رسیدنش تاکنون می‌باشد. اما خوشبختانه جمهوری اسلامی از کلیه تهدیدات و فشارها نتیجه معکوس کسب نموده و مردم نه تنها نهراسیده‌اند، بلکه روز به روز عیان‌تر به رویارویی با جلادان پرداخته‌اند در یک کلام جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه نتوانسته است مردم کردستان را به دوست و مدافع خویش مبدل سازد، بلکه با زور اسلحه نیز نتوانسته است آنان را از میدان خارج ساخته و کردستان را به گورستانی خاموش تبدیل کند.

احساسات ملی‌گرایانه و هشیاری سیاسی فرزندان کرد در سطحی چشمگیر قرار داشته و آمادگی جهت فداکاری و پرداختن هزینه جهت دستیابی به آزادی و رهایی در کردستان نسبت به سایر مناطق ایران بسی فزونتر است. تنها نقص و کمبودی که در این میان بچشم می‌خورد، ضعف سازماندهیست. فقدان حزبی میهنی و ترقی‌خواه و قانونی و کنترل شدید و مداوم دستگاه‌های جاسوسی رژیم در زمینه کوچکترین نشانه‌های فعالیت سازمان‌های سیاسی، فرصت و امکان سازماندهی را از فرزندان مبارز و پرشور مردم کردستان سلب و یا بهتر بگوییم تا حدود زیادی محدود کرده است. با این اوصاف نمی‌توان به کم‌کاری جریان‌ات‌اپوزیسیون کرد و قبل از همه حزب دمکرات کردستان اشاره نکرد.



واقعیت آنست که اگر برنامه‌ای اصولی جهت فعالیت سازمان یافته از سوی نیروهای سیاسی موجود فراهم بوده و اعضای این سازمانها، آمادگی بیشتری را جهت فداکاری و از خود گذشتگی از خویش بروز دهند، آمادگی جوانان پرشور داخل کردستان بسی بیشتر از آنست که رضایت دهند اعتراضات اقشار مردمی همچنان پراکنده بماند. به امید آنکه جریانات سیاسی از این پس توجه بیشتری به امر سازماندهی مبذول بدارند بتوانند جوابگوی احساسات شعله‌ور دختران و پسران هشیار و تحصیل کرده و فداکار داخل شرق کردستان باشند. در کلیه‌ی شرایط نیز با افتخار می‌توان گفت که کردستان مرکز تجمع احساسات انقلابی و مبارزاتی بوده و آمادگی آنرا دارد که در هر فرصتی و با اتخاذ هر کدام از متدهای مبارزاتی، نقش خویش را با کمال شایستگی در انقلاب رهایی‌بخش سراسری و یا جنبش ملی کرد ایفا کند.

وضعیت زنان:

هنگامیکه مشخصه‌های پیشرفت جامعه‌ی کردستان را مورد توجه قرار می‌دهیم، نبایستی وضعیت زنان کردستان را فراموش نمود. زنان کرد در ایران و کردستان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با سه نوع ستم و تبعیض مواجه‌اند: بعنوان بخشی از اعضای ملت تحت ستم کرد، بعنوان قشر زن زیر سایه‌ی قوانین و احکام مرتجعانه‌ی جمهوری اسلامی و در نهایت بعنوان قربانیان تبعیض و نابرابری جنسی که بخشی از چارچوبهای فرهنگی جامعه‌ی کردی را تشکیل داده است.

متأسفانه ما روزانه شاهد وقایع دلخراشی هستیم که همگیشان وضعیت وخیم زنان را به نمایش می‌گذارند:



فقدان فرصت یکسان جهت مشارکت در فعالیتهای کاری، فقدان قانونی عادلانه که در مقابل نابرابریهای فرهنگی مدافع و حافظ حقوق زنان باشد، نزاع و خشونت جسمی و روحی در داخل خانواده که سرچشمه‌ی بسیاری از رویدادهای تلخ و ناگوار از قبیل خودسوزی وسیع زنان تحت عنوان ناموس پرستی بشمار می‌آید.

رفع این همه تبعیض نیازمند تلاش و کوششی همه جانبه است. در این بین، جای بسی خوشحالیست که دختران و زنان فهیمه و آگاه کردستان خود اینک به ساختارشکنی در این زمینه دست زده و شجاعانه در این عرصه سرگرم مبارزه‌اند.

جنبش برابری طلب زنان، علی‌رغم کلیه‌ی موانع پیش روی، بعنوان جنبشی اجتماعی که دارای آینده‌ای روشن است، قلمداد می‌گردد.

حزب دمکرات کردستان

رفقای مبارز!

هنگامیکه کار و فعالیت حزب دمکرات در فاصله‌ی کنگره‌های ۱۳ و ۱۴ را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، ضروریست که مقوله‌ی انشقاق در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران در حدود یکسال و چند ماه پیش را در کانون توجه قرار داد. واقعیت آنست که ما بعنوان "حزب دمکرات کردستان" تاکنون نیز در زمینه‌ی مباحث مرتبط با علل انشقاق صراحتاً و بشکلی مفصل با مردم مواجه نگردیده‌ایم و اینک نیز جهت حفظ حرمت مبارزه و تلاش، به صلاح نمی‌دانیم که به شیوه و سبک برخی افراد در زمینه‌ی جزئیات انشقاق و وضعیتی که قبل از انشقاق حزبمان را فلج ساخته بود، اظهار نظر کنیم. در حالیکه طرف مقابلمان از هر طریق ممکن بویژه در جاهایی که مؤسسات اطلاع رسانی امکان حضور



نداشتند، به شکلی غیر منطقی و غیر سیاسی کوشیده‌اند ذهن مردم کردستان را مغشوش نموده و با ایراد اتهامات ناروا - که هیچگاه آشکارا آنرا به میان نمی‌آورند - و با استعمال القاب و عناوین زشت و نکوهیده، از قبول مسئولیت این انشقاق شانه خالی کرده و آنرا متوجه ما سازند. لذا برخلاف گفتمان طرف مقابل، بر مبنای ادبیاتی که شایسته‌ی انسانی سیاسی و مسئول باشد، بجاست که نگاهی گذار به وضعیت حزب دمکرات کردستان ایران در روزها و ماههای قبل از کنگره‌ی ۱۳ تا ۱۵ آذرماه ۱۳۸۵ انداخته، که طی آن حزب دمکرات کردستان برخلاف خواست خود انشقاق در حزب را قبول کرد و برسمیت شناخت.

لازم است بطور اجمالی هم که شده گفته شود در سال ۱۳۶۷ نیز انشقاقی هرچند بسیار متفاوت با انشقاق کنونی در حزب دمکرات کردستان ایران روی داد که آنزمان نیز به نگرانی و نارضایتی اقشار مردم در کردستان منجر گردید. اگر دو رخداد ناگوار و فاجعه‌آمیز شهادت دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی پیش نمی‌آمد، انشقاق مذکور سریعتر علاج می‌گشت. اما با شهادت این دو رهبر تلاش جهت وحدت دوباره‌ی صفوف حزب تا حدی متوقف گشته و در نتیجه انشقاق مذکور قریب به ۹ سال به درازا کشید. آنزمان و بعدها نیز در داخل حزب دمکرات دو نگرش متفاوت بچشم می‌خورد. یکی با تبعیت از خواست مردم کردستان معتقد بود که آن انشقاق پدیده‌ای غیر طبیعی بوده و لازم است که فیصله یابد و نگرش دوم بر این باور بود که انشقاق مذکور دستاوردی با ارزش بوده و لازم است از آن دفاع کرد. سرانجام پس از چند سال رقابت میان این دو نگرش در کنگره‌ی دهم حزب (بهار ۱۳۷۴) اراده‌ی مردم و نگرش نخست به موفقیت دست یافت و پس از نزدیک به دو سال تلاش خستگی‌ناپذیر در ۱۹



دیماه ۱۳۷۵ " خانواده‌ی بزرگ حزب دمکرات کردستان ایران وحدت درباره‌ی خویش را بازیافت."

از آنزمان مدافعان نگرش دوم جهت انتقام‌گیری اقدام به فعالیت مخفیانه نمودند، تا بتوانند در فرصت مناسب به قول خودشان این اشتباه را جبران کنند. در تمامی این مدت مدافعان انشقاق حزب بیکار ننشسته و در هر مکانی که فضا را مناسب تشخیص می‌دادند عناوین مورد استفاده در دوران انشقاق را در قبال آن قسم از اعضای حزب که جزو انشعابیون کنگره‌ی هشتم بودند، بکار می‌گرفتند. جهت خاتمه بخشیدن به جناح بازی غیر اصولی و حفظ وحدت و یکپارچگی صفوف حزب بنا به پیشنهاد اکثریت کمیته‌ی مرکزی و بدنه‌ی حزب در هر سه کنگره‌ی ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ سلسله تصمیماتی جهت حفظ حقوق اقلیت و محکوم نمودن باندبازی مخفیانه به تصویب رسیدند که واضحترینشان مصوبه‌ی کنگره‌ی دوازدهم بود. بنا به این مصوبه از همان روز کنگره به بعد هر نوع یارگیری و دسته‌بندی مخفیانه به نفع و انگیزه‌ی شخصی و گروهی جرمی تا حد خیانت بشمار رفته و در مقابل این حق برای هر عضو حزبی برسمیت شناخته شد که در تجمعات حزبی نقطه‌نظرات خویش در زمینه‌ی هر شعار و سیاست حزبی و حتی شعار استراتژیک و نیز هر عضو یا ارگان حزبی را بدون ترس و واهمه از مجازات گشتن بیان بدارد، تنها بدین شرط که به مخالفان نظرش این مجال را روا بدارد که آنان نیز سخن خویش را ابراز بدارند.

با اینکه این تصمیم با اکثریت مطلق آرا به تصویب رسید، آنانیکه مخالف یکپارچگی حزب دمکرات کردستان بودند، بدون آنکه حتی یکبار نیز در تجمعات آشکار حزبی نظر خود را ابراز بدارند که کنگره این حق را بدانها روا داشته بود، مخفیانه اقدام به یادگیری نموده تا بتوانند اکثریت کنگره‌ی سیزدهم را



بدست آورند و مقاصد خویش جهت یکدست نمودن حزب و حذف دگراندیشان را عملی سازند، امریکه کنگره آنرا خیانت قلمداد کرده بود. به هر حال این نقشه شوم موفق از آب درآمد و بدین ترتیب اکثریت کنگره ۱۳ را کسب نمودند و یا به عبارتی روشنتر به طریقی نامشروع، به مقاصد و توطئه‌های خویش مشروعیت بخشیدند.

بگذارید از این امر چشم پوشی کنیم که در کنگره ۱۳ طرف "برنده" چگونه عمل نموده، چگونه کوشیدند که برخلاف رفتار رفقاییشان در کنگره‌های پیشین، دگراندیشان را به حاشیه رانده و شماری از اعضای کمیته مرکزی را فقط به "جرم" دگراندیشی حذف نمودند. اقلیت کمیته مرکزی کنگره سیزده و همفکرانشان حتی علیرغم این مسأله آماده بودند که اگر با حق و وظیفه یکسان مجال فعالیت برایشان فراهم آید، با تمام قوا تلاش نموده و وظایف حزبی را به انجام رسانند. اما اکثریت رهبری که با نیتی متفاوت حرکت نموده بود، به حذف این چند عضو کمیته مرکزی قناعت نکرده و اقدام به یکدست نمودن صفوف حزب، سلب اکثر پستهای حزبی از اعضای جناح مقابل و انتصاب "خودی"ها بجای آنان، انتقال کادرها و پیشمرگان و مجازات و اخراج و ناچار نمودن آنها به ترک فعالیت حزبی نمود. هر ارگانی را که تأسیس نمودند، از ورود "نامحرم" بدان جلوگیری کرده و در ارگانهای اسبق نیز بگونه‌ای عمل کردند که آنانی که "خودی" نیستند در اقلیت بوده و مسئولیتی نیز بدانها محول نگردد. از همه اینها تعجب آورتر آنکه به دنبال کنگره سیزده اقدام به جابجایی اسناد و مدارک حزبی به مکانهایی نمودند که آنجا را متعلق به خود می‌دانستند.



بدین ترتیب عرصه فعالیت و همکاری دگراندیشان بکلی محدود گردید و امکان ابراز نظراتشان که کنگره حق آنرا بدانها روا داشته بود، مسدود گشت. سرانجام اقلیت کمیته مرکزی که طیف دارای کیفیت و تاریخ مبارزاتی چشمگیر بود، پس از قریب به دو سال و نیم تلاش فاقد نتیجه جهت همبستگی دگریار صفوف حزب و تأمین حق وظیفه برابر برای همگان در ۱۵ آذرماه ۱۳۸۵ بناچار انشقاق حزب دمکرات کردستان ایران را تقبل نمودند و تحت عنوان حزب دمکرات کردستان به مبارزه ادامه دادند. اعلام انشقاق حزب دمکرات همچنانکه انتظار می‌رفت، موجب پریشانی و نگرانی و حتی ناامیدی بخشی از اقشار مردم گشت و اگرچه مدتها قبل از انشقاق حزب نیز اکثریت کمیته مرکزی کلیه تلاشهای دلسوزان داخل و خارج از حزب را جهت حل اختلافات با شکست مواجه ساخته بود، پس از انشقاق نیز شخصیتها و طرفهای بسیاری تلاشی مقدس را جهت جلوگیری از عملی گشتن این انشقاق آغاز نمودند. اما موضع دوطرف چگونه بود؟ حزب دمکرات کردستان که از این پس حزبی مستقل بود در هر مناسبتی اعلام داشت که این انشقاق خارج از اراده و خواست این حزب بر آن تحمیل گردیده و پس از شکست تلاشها جهت حفظ یکپارچگی حزب، انشقاق را پذیرفته است. اکنون نیز طرف مقابل را بعنوان دشمن و یا خویش را بعنوان دشمن آنان تلقی نکرده و حاضر است که در تمامی عرصه‌های مناسب با آنان همکاری نموده و روابط حسنه برقرار سازد و حتی اگر شرایط مساعد باشد دگریار متحد گردد. اما طرف مقابل در رسانه‌ها مدعی گشت که چند نفر (یعنی ۲ تا ۱۰ نفر) حزب را ترک گفته‌اند، در نشستهای مخفیانه خویش مسموم ترین تبلیغات و خصمانه‌ترین نصایح را به گوش هوادارانشان خواندند و در میدان عمل نیز با خیال بیرون راندن این چند نفر!! اقدام به جنگ افروزی و



مغشوش ساختن اوضاع نمودند. بگونه‌ای که اگر احساس مسئولیت رهبری و بدنه‌ی حزب دمکرات کردستان نمی‌بود، فاجعه اتفاق می‌افتاد و نقطه‌ای سیاه در تاریخ ملت کرد ثبت می‌گردید.

به‌هرحال رفتار مسئولانه ما مانع بروز فجایع بزرگتر گشت و مردم نیز به تدریج از وضعیت نگرانی خارج گشتند و در هر مکان افراد برمبنای قضاوت‌های خویش صفوف خویش را انتخاب نمودند. ما همانوقت اذعان نمودیم که اگرچه انشقاق حزب واقعه‌ای دردناک است، اما فاجعه نیست و اگر متعهدانه عمل کنیم خواهیم توانست که هرکدام به حزبی فعالتر و تأثیرگذارتر از گذشته مبدل شویم و اشکهایی را که در جریان انشقاق جاری گشتند به خنده و قهقهه تبدیل کنیم. همان هنگام اعلام کردیم و اکنون نیز تأکید می‌ورزیم که آنها را نه تنها دشمن، بلکه رقیب خویش نیز قلمداد نمی‌کنیم و آمادگی آنرا داریم که ارتباط خویش را با آنها در سطحی عالی برقرار سازیم و در هر قالب مناسب با آنها همکاری بنماییم و حتی اگر زمینه مناسب باشد با آنها و یا آنها و جریان‌ات دیگر نیز متحد گردیم. اما واضح است که باید در این راستا کوشید و چارچوبی مشخص را برای آن تعیین کرد و حتی به یاری سازمانهای سیاسی دوست، ضمانتهای لازم فراهم گردد.

بد نیست که در اینجا در قبال خواسته نامفهوم این جریان جهت تغییر نام حزب دمکرات کردستان نکاتی را متذکر شویم. نخست اینکه نام حزب در هیچ مکان و زمانی در انحصار هیچ فرد و گروهی نبوده که بشود ادعای مالکیت آنرا کرد. علاوه بر این اکثریت کمیته مرکزی آنهم اکثریتی که بواسطه نقض مصوبات کنگره بدست آمده باشد، به هیچ نحو این حق را به هیچکدام از طرفها تفویض نمی‌کند و گذشته از اینها اکنون نامها دو نام متفاوت می‌باشند. ما



حزب دمکرات کردستان هستیم و آنها حزب دمکرات کردستان ایران اند. ما حاضریم بدون خواست تغییر نام از سوی آنها با آنها همکاری کنیم، اگر آنها معتقدند این امر شدنی نیست، می‌توانند نام خویش را تغییر دهند. اعضا "حزب دمکرات کردستان" اکنون در مجموع نسبت به آنها تلاش و مبارزه‌ای مضاعف داشته‌اند و سرمایه عمر خویش در این راه نثار کرده‌اند، خویش را شریک افتخارات این حزب دانسته و حاضر نخواهند بود که این نام و افتخارات در انحصار هیچ گروهی قرار بگیرد. و این واقعیت لازم است که برای همگان عیان باشد.

پس از انشقاق

انشقاق در حزب دمکرات و یا هر سازمان دیگر کردی می‌تواند به جنبش کرد در مجموع آسیب و زیان برساند. اما نبایستی فراموش کنیم که اگر قرار باشد که انرژی و پتانسل سازمانی سیاسی در جهت اختلاف داخلی تلف گردد، علاج تنها آنست که این انشقاق را بپذیریم و پتانسیل‌هایمان را در راستای اهدافمان آزاد نماییم. لذا بایستی بدانیم که ما اکنون در مرحله پس از انشقاق قرار داریم و حزبی مستقل که از کلیه مشخصه‌های حزبی سیاسی برخوردار است، بشمار می‌آییم و یکی از احزاب سیاسی عمده در شرق کردستان می‌باشیم. اکنون موقع آنست که به این مسأله بپردازیم که بعنوان حزب دمکرات کردستان در فاصله بین انشقاق حزب دمکرات کردستان ایران و این کنگره چه اقداماتی را بعمل آورده، در چه جایگاهی قرار داریم و مسیر آتی و وظایفمان کدامها هستند؟

کسی نیست که از رویدادهای قبل از انشقاق حزب مطلع باشد و نداند که ما در مدت طی شده با چه مجموعه مشکلاتی روبرو بوده‌ایم. فقدان امکانات در زمینه مالی و کلیه ملزومات فعالیت حزبی، نگرانی و پریشانی قسم وسیعی از



اقتدار مردم و حتی شماری از اعضا و هواداران حزب، فروپاشی سازمانی و بلا تکلیفی جمعی از اعضا و از همه بدتر اختلاط خانواده‌ها و کادرها و پیشمرگان مجرد هر دو طرف در کمپهای جنوب کردستان و آن رفتار خصمانه و غیر مسئولانه‌ای که طرف مقابل در پیش گرفته بود، موجب گشتند که کارها و وظایفمان بسی دشوارتر گردد.

علیرغم وضعیت یاد شده احساس مسئولیت کلیه‌ی اعضا، کادر و پیشمرگان حزب، سیاست میانه‌روانه و حکیمانه رهبری، همبستگی و پشتیبانی دوستان حزب که بخش عمده‌ای از آنان از نخبگان ملت کرد در داخل و خارج از کردستان هستند و همچنین از خودگذشتگی خانواده‌های حزبی که نه تنها مشکل‌ساز نبودند، بلکه در بسیاری از مواقع خود حلال مشکلات بودند و پشتیبان و سرمایه‌ی بزرگی برای کادرهای حزبی بوده تا بر مشکلات و موانع سر راه فائق آیند. این عوامل روی هم رفته باعث شد که بعنوان یک حزب اصیل و با تاریخ سرشار از افتخار در مسیر پیشرفت هرچه بیشتر گام نهیم. باینکه تمامی امکانات و وسایل مرکز انتشاراتی حزب از سوی رفقای پیشین ما ثبت و ضبط شده بود اما روزنامه‌ی "کوردستان" ارگان حزب دمکرات کردستان (که هر دو هفته یکبار منتشر می‌شود) حتی برای یک شماره نیز از روند عادی خود باز نماند.

نشریات "لاوان"، "ژنان" و "تیشک" در موعد خود و با محتوا و مچمون بهتر منتشر شدند. در عرض کمتر از یک ماه رادیو صدای کردستان پخش برنامه‌های خود را از سر گرفت، سرانجام با همت و تلاشهای خستگی‌ناپذیرانه اعضای حزب بعد از هفت ماه کانال تلویزیونی kurd channel بر روی



ماهواره راه‌اندازی شد. این کانال در ماه‌های گذشته نقش بسیار مهم و حیاتی ایفا نمود و روشنگری‌هایش باعث تغییر در بسیاری از معادلات گردید.

از سویی دیگر همه‌ی ارگان‌های حزبی، اعم از کمیسیون‌ها و کمیته‌های وابسته به دفتر سیاسی، کمیته‌های حزبی در خارج از کشور و اعضای تشکیلات مخفی در داخل کشور همگی با احساس مسئولیت در راستای حل مشکلات و پیشبرد اهداف حزب کوشیده‌اند. همانگونه که در سطور فوق بدان اشاره شد اعضای خانواده‌های حزبی و در میان آنان بویژه زنان علیرغم کم و کاستی‌های بسیار سختی‌ها را تحمل کرده و یار و پشتیبان بزرگی برای حزب دمکرات بوده‌اند. اجازه می‌خواهیم از سوی کلیه‌ی اعضای کنگره از اعضای حزب و خانواده‌های سرفرازشان تشکر و قدردانی ویژه نماییم و برای همگی آنها در زندگی و مبارزاتشان آرزوی موفقیت بنماییم.

لازم است نگاهی نیز به تلاش‌های دیپلماتیک حزب در این مدت بیندازیم. دیپلماسی و روابط خارجی حزب در مدت یاد شده در چند زمینه متمرکز شده است:

نخست: تلاش در جهت ادامه و تحکیم روابط با کشورها و محافل بین‌المللی با تأکید بر اینکه مسائل مربوط به حقوق بشر، دمکراسی و حقوق ملی ملت کرد در شرق کردستان در اختلافات جهان خارج با ایران در اولویت قرار گیرد. دوم: تلاش‌های ما در ارتباط با انترناسیونال سوسیالیست و تعیین موقعیت و نحوه‌ی روابط ما در این جبهه. سوم: تلاش جهت برقراری ارتباط با احزاب و سازمان‌های کردستانی و ایرانی.

در این جا شایسته است که با دیده‌ی احترام و تقدیر به فعالیت سیاسی تیمهای تشکیلاتی حزب بنگریم که در بهار و تابستان سال جاری در شهرها و



مناطق مختلف کردستان به میان اعضا، هوداران و دوستان حزب رفته و از نزدیک با آنها تجدید عهد نموده و آنان را از قاطعیت حزب دمکرات کردستان بر ادامه‌ی رسالت مبارزاتی‌اش در این فصل جدید از مبارزات حزب مطمئن ساختند.

و نکته‌ی مهمتر اینکه دلسوزان کرد در داخل کشور و جنوب کردستان به گونه‌ای سخاوتمندانه با ارسال کمک‌های مالی به یاری حزب شتافته و بزرگترین مشکل حزب دمکرات کردستان را در این مقطع از تاریخ مبارزاتی‌اش رفع نمودند. این کمک‌ها بسی بیشتر از ارزش مادی و مالی آن از لحاظ سیاسی و معنوی برای حزب دمکرات حائز اهمیت بود، چرا که کمک‌های بسیار سخاوتمندانه‌ی دلسوزان کرد در واقع خود حامل پشتیبانی سیاسی و معنوی بسیار بزرگ و وسیعی بود. با افتخار اعلام می‌داریم که در تاریخ ۶۲ ساله‌ی حزب دمکرات کردستان کمک مالی دوستان و دلسوزان حزب در این حد و مقیاس بی‌سابقه بوده است. در این رابطه تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که در هر دو بخش شرق و جنوب کردستان صدها تن با ارسال کمک مالی به یاری حزب شتافتند که مبالغ آن از چهل هزار تومان آغاز و به بیست میلیون تومان می‌رسد و در مواردی نیز بسیار بیشتر از این مبالغ بوده است. بنابراین جا دارد که از سوی کنگره نیز از کمک‌های مادی و معنوی اقشار مختلف مردم کردستان و حمایت‌های سیاسی بی‌دریغ آنان تشکر و قدردانی نماییم، چرا که اهمیت این کمک‌ها بسیار بیشتر از ارزش مادی آن، دارای ارزش سیاسی است.

از اشارات فوق نباید چنین برداشت نمود که در مدت یاد شده پیشبرد امور حزبی کاملاً بر وفق مراد ما بوده و هیچ‌گونه اشکال و کم و کاستی در کار ما نبوده است، برعکس آنچه تاکنون انجاد داده‌ایم در مقایسه با آنچه که باید



انجام می‌دادیم و یا باید در آینده انجام بدهیم بسی ناچیز بوده و هنوز راه طولانی در پیش رو داریم تا در حد رسالتی باشیم که حزب دمکرات کردستان بر دوش گرفته است و در این راه ده‌ها رهبر شایسته خود و در صدر آنان پیشوا قاضی محمد، دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی را از دست داده است.

وظایف ما

همچنانکه در مقدمه آمده بود ما وعده‌های بسیار بزرگی به مبارزین حزب، روشنفکران کرد و توده‌های مردم کردستان داده‌ایم و به تبع آن وظایف بسیار سنگین و در عین حال مقدس را بر عهده گرفته‌ایم. اگر تا امروز نمی‌توانستیم وعده‌های خود را عملی سازیم، چون بسیاری از آنها در صلاحیت و حدود اختیارات رهبری نبودند، حال در عالیترین ارگان تصمیم‌گیرنده حزب دور هم جمع شده‌ایم، ارگانی که مستقل و برای اخذ تصمیم به هیچ ارگان دیگری وابسته نیست و می‌تواند در چارچوب اصول دمکراتیک هر چیزی را تصویب نموده و یا آنان را تغییر داده و یا به کلی رد نماید. با این اوصاف نه تنها دوستان، بلکه مخالفان و دشمنان ما نیز اقدامات این کنگره را زیر ذره‌بین خود گذاشته‌اند.

این کنگره در واقع سنگ محک صداقت، نواندیشی، دمکرات بودن و مبارز بودن ماست. مسلماً همگی ما همچون اعضای هر حزب سیاسی دیگر آرزو داریم که حزب بعنوان یک حزب محبوب و بانفوذ جایگاه شایسته‌ای در میان توده‌های مردم داشته باشد. همه باید این واقعیت را بپذیریم که تحقق چنین آرزویی در گرو کار و فعالیت بعد از کنگره قرار دارد.

دوستان گرامی!



امیدوار هستیم که هیچ کسی چنین تصور نکند که این کنگره اوج کار و فعالیت و پیروزیهای خود و حزب است. چرا که دقیقاً برعکس برگزاری این کنگره سرآغاز دوره‌ای توأم با کار و فعالیت، احساس مسئولیت و حتی توأم با سختی‌ها و فراز و نشیبهای فراوان است. بنابراین نباید نسبت به وظائفمان بی-تفاوت باشیم. اگر که می‌خواهیم در میان مردم و سرزمین خود سربلند و سرفراز باشیم بایستی هر کدام از ما از انجام هر کاری که جهت پیشبرد امورات حزبی برایمان امکان‌پذیر است، دریغ نوزیم. همگی ما، هرکدام بنا به موقعیت و توانایی خود هم در جریان کنگره و هم بعد از کنگره پذیرای مسئولیت گردیم و با دیگران - هم در رده‌های بالاتر و هم در رده‌های پایین‌تر - همکاری نماییم. باید از همین امروز این طرز تفکرها را در ذهن خود بزدانیم که چرا من باید کار بکنم و دیگران کار نکنند. بلکه ما باید این گونه بیاندیشیم که چرا باید من کار نکنم، دیگران کار بکنند. پیش از اینکه به این فکر کنیم که حزب برای ما چه کاری کرده باید به این فکر کنیم که ما برای حزب چه کاری کرده‌ایم. ما باید خود را مدیون حزب و مردم بدانیم، نه اینکه آن دورا مدیون خود بدانیم.

دوستان گرامی!

همچنانکه وعده داده بودیم و مردم، در آن میان بویژه روشنفکران و نخبگان جامعه از ما انتظار دارند ما باید در حزب رفرم و نوسازی انجام بدهیم. نوسازی و نوگرایی به معنی انکار گذشته نیست، ما اگر گذشته و تاریخ خود را انکار نماییم حال و آینده‌یما نیز تاریک و ناقص خواهد بود. اما نباید چنین تصور کرد که گذشته‌ی ما عاری از کم و کاستی و اشتباهات بوده و نیاز به تغییر در هیچ چیز را نداریم. اگر در یک جایی مشاهده کردیم که سیاست و نگرش ما در گذشته اشتباه بوده است باید شهادت آن را داشته باشیم که



بدان اعتراف کرده و سعی در اصلاح آن بنماییم. این نه تنها به معنی انکار نیست بلکه دقیقاً پاس داشتن و ارج نهادن تاریخ و گذشته خویش است. ما به تاریخ خود افتخار می‌کنیم و اگر زمانی تاریخ خود را نقد می‌کنیم و به بیان کم و کاستی‌های آن می‌پردازیم بدین معنا هم نیست که تقصیرات آن را بر گردن دیگران بیندازیم و خود را از آن مبرا بدانیم. بلکه برعکس ما خود را در قبال گذشته‌ی خود با تمامی کم و کاستی‌های آن مسئول می‌دانیم.

زمانیکه مسئله‌ی رفرم و نوسازی را مطرح می‌نماییم، نوسازی ابعاد وسیعی را در برمی‌گیرد. باید سیاست‌ها، روابط تشکیلات و درون سازمانی و همچنین روابط خود با جهان خارج از خود را بازنگری نموده و در صورت لزوم آنها را تغییر دهیم و حتی بایستی در ساختار رهبری حزب نیز رفرم کرده و فرصت مشارکت بیشتر برای اقشار مختلف بویژه زنان و جوانان روشن‌فکر و میهن‌پرست خلق فراهم نماییم. هیچگاه نمی‌توان ادعا کرد که هر فرد پیر و سالخورده‌ای دارای افکار ارتجاعی و ضد تفکر نوین است و همچنین نمی‌توان ادعا کرد که همه‌ی جوانان دارای افکار نو و متناسب با روز هستند. اما این یک واقعیت انکارناپذیر است که هر نسلی متعلق به دوران خویش است و هر عصری زنان و مردان خود را می‌طلبد. کار نو و اهداف نو با وسیله و راهکارهای پیش پا افتاده و کهنه به پیش خواهد رفت. بنابراین، باید بپذیریم که نوسازی و رفرم در ساختار رهبری نیز لازمه‌ی پیشرفت در مبارزه است. ما کادرهای با سابقه و مجرب خود را حذف نخواهیم کرد، بلکه از آنان تقدیر بعمل آورده و مایه‌ی افتخار ما هستند و از تجارب و دانش آنان استفاده خواهیم کرد اما دیگر مسئولیت‌های سنگین اجرایی به آنان واگذار نخواهیم کرد. بزرگترین



انتظار ما از این کادرها این است که تجارب گرانبهای خود را در اختیار نسل جدید قرار دهند.

پروژه و مواضع حزب دمکرات کردستان

در این بخش از گزارش کمیته مرکزی نگرش خود را در قبال مسائل گوناگون تشکیلاتی، درون سازمانی، منطقه‌ای و جهانی تقدیم اعضای محترم کنگره می‌نماییم و از کلیه اعضای محترم خواهشمندیم که با دقت خاصی این مسائل را تجزیه و تحلیل کرده تا با همفکری و خرد جمعی اصلاحات و تغییر لازم را در آن ایجاد نماییم و بدین طریق همگی با بیان افکار و دیدگاههای خود در تعیین خط مشی و سیاسی رسمی حزب شرکت کنیم. ضمن اینکه یک بار دیگر بر آزادی بیان و آزادی ابراز نظر پیرامون کلیه مسائل در درون حزب تأکید می‌نماییم لازم به یادآوری است که کلیه مصوبات این کنگره خط مشی و برنامه سیاسی حزب محسوب می‌شود و بر همگان است که در خارج از حزب از آن پیروی نموده و برای ترویج و اشاعه آن بکوشیم. آنچه در ذیل می‌آید نگرش کمیته مرکزی حزب پیرامون مسائل مختلف تشکیلاتی، درون سازمانی، منطقه‌ای و جهانی است که امیدواریم مورد تأیید اعضای کنگره واقع شود و اگر لزوم تغییر و یا اصلاح در آن احساس شد، کنگره در این باره تصمیم نهایی خود را اتخاذ کند.

الف: روابط داخلی

با این که در کنگره دهم حزب دمکرات کردستان ایران (۱۹۹۵-۱۳۷۴) حق آزادی ابراز نظر برای کلیه اعضای حزب به رسمی شناخته شده است، باید اعتراف نماییم که استفاده از این حق هیچگاه مسیر طبیعی خود را نپیموده است. به باور ما این خود دو دلیل اصلی دارد، نخست اینکه اعضای حزب که



در سیستم سابق پرورش یافته‌اند دچار نوعی خود سانسوری شده‌اند و ترس از اینکه مبادا مورد بازخواست و مجازات واقع شوند نتوانسته‌اند از این حق طبیعی و تشکیلاتی خود بطور کامل استفاده کنند. دلیل دوم به نحوه رفتار و برخورد مسئولین و ارگانهای حزب بر میگردد که خواسته‌اند زمینه و بستر مناسبی برای این مهم فراهم نمایند. فضایی توأم با ترس و مجازات برای خود در درون حزب خلق نموده‌اند و حتی مشاهده شده است که در عمل نیز فرصت اظهار آزادانه افکار و اندیشه را از اعضای حزب سلب نموده‌اند. بنابراین لازم است که از این به بعد کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و ارگانهای پایین‌تر خود ضامن ایجاد فضای مناسب برای آزادی بیان و اظهار نظر شوند و در صورتیکه خلاف آن مشاهده شد با آن برخورد گردد.

همچنین اعضای کمیسیون نظارت بر اساسنامه‌ی حزب که در اساسنامه پیشنهادی کمیته مرکزی به کنگره پیش بینی شده است - موظف است که در برابر نقض چنین حقوقی از اعضای حزب سکوت اختیار نکنند و کمیته مرکزی حزب را از نقض هرگونه حقوق اعضای حزبی مطلع نماید. در پایان دوباره تأکید می‌نماییم که آزادی بیان اظهار نظر اعضای حزب در قبال مسائل مختلف به هیچ وجه نباید محدود گردد این حق برای کلیه اعضای حزب محفوظ است با رعایت این ۳ اصل:

۱. تنها در داخل حزب و در محافل و اجتماعات حزبی حق ابراز نظر مخالف با سیاستهای عمومی حزب را دارد.
۲. عضو حزبی باید در اظهار نظر خود از هرگونه اهانت و بی‌حرمتی نسبت به هر فرد و یا ارگانی پرهیز نماید.
۳. حق اظهار نظر مخالف برای دیگران را نیز برسمیت بشناسد.



ب: مشارکت

کمیته مرکزی در حد فاصل میان دو کنگره ارگان مرجع محسوب می‌شود و سیاست گذار و قوه اجرایی حزب است و کلیه ارگانهای حزب موظف به اجرای مصوبات و تصمیمات کمیته مرکزی هستند. اما این بدان معنی نیست که کمیته مرکزی و یا دفتر سیاسی خود را از همفکری و نظرات اعضای حزبی بی‌نیاز بدانند. نه تنها بایستی کلیه مصوبات و تصمیمات کمیته مرکزی محصول خرد جمعی باشد بلکه بایستی برای تصمیم‌گیری در قبال مسائل مهم و سرنوشت‌ساز حداقل در سال یک بار و همچنین هرگاه که ضرورت ایجاب نماید، همایش وسیعی برای کادرهای متخصص و مجرب حزب برگزار و با آنان مشاوره گردد.

ج: همکاری با احزاب و نیروهای کردستانی

سالیان مدیدی است که در جنبش آزادیخواهانه‌ای ملت کرد در شرق کردستان فقدان یک ائتلاف و یا همپیمانی مبارز که کلیه نیروهای اپوزیسیون کرد و یا حداقل بخش عمده‌ای از آنان را حول یک برنامه مشترک گرد آورد، احساس می‌شود. عدم ایجاد چنین ائتلافی علاوه بر شرایط دشوار و سخت مبارزاتی جنبش کرد عوامل دیگری از جمله هژمونی طلبی و غرور بی‌مورد احزاب، تنگ نظری و افراط‌گرایی، کم‌کاری و عدم احساس مسئولیت لازم دخیل بوده‌اند. به باور ما در این باره باید فصل نوینی بگشاییم و با احساس مسئولیت بیشتر گام برداریم. میدان عمل و مبارزه تنها معیار برای هر حزب و سازمان اپوزیسیون کرد در شرق کردستان است.

د: مشارکت زنان و جوانان در ارگانهای رهبری حزب

ما ضمن بالیدن به تاریخ پرافتخار حزب دمکرات باید به این واقعیت اعتراف نماییم که زنان و نقش آنها در ارگانهای رهبری حزب بسیار کم رنگ و ناقص



بوده است. این يك حقيقت است که به سبب حاکمیت روابط تبعیض‌آمیز میان زنان و مردان تا این اواخر زنان از لحاظ سواد و ارتقاء سطح دانش و آگاهی از مردان عقب بودند، اما اگر منصفانه قضاوت کنیم زنان در امر مشارکت مبارزات آزادیخواهان ملت کرد در مقایسه با مردان کم نیاورده‌اند. بنابراین آشکارا با اجماف روبرو بوده و حقوقشان مراعات نشده است. امروزه زنان در همه‌ی عرصه‌ها بویژه در زمینه‌های علمی رشد چشمگیری داشته و نقش بسیار مؤثری در مبارزه دارند، به همین سبب عدم حضور آنان در کادر رهبری حزب هیچ توجیهی برنمی‌تابد و لازم است که در این کنگره مکانیزم و راهکارهایی در پیش گرفته شوند که حضور زنان در امور اجرائی حزب را تضمین نماید.

جوانان که نیروی بسیار فعال جنبش آزادیخواهانه در همه زمینه‌ها و از جمله مبارزات مسلحانه محسوب می‌شوند، اگرچه به اندازه زنان در ارگانهای رهبری مغدور نبوده‌اند، اما با صراحت باید گفت که اهمیت چندانی نیز به آنها داده نشده است. حزب و رهبری يك حزب اگر نتواند از قدرت و توانایی‌های جوانان استفاده کند بدون شك آینده‌ای خوبی فراروی خود نخواهد داشت. بنابراین در این کنگره بایستی سعی شود طبق يك مکانیزم مناسب زمینه برای مشارکت چشمگیرتر جوانان در کادر رهبری فراهم آید و در بدنه حزب نیز نقش بیشتری برای جوانان قائل شوند.

پیرامون شعار استراتژیک

در کنگره ۱۳ شعار استراتژیک حزب "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" تغییر یافته و به "تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال" تبدیل شد. به عبارتی ساده‌تر شعار حزب از



خودمختاری به فدرالیسم تغییر یافت. از مدت‌ها پیش به باور ما دیری است که فدرالیسم برای حل مسئله ملی در ایران کثیرالمله راهکار مناسب‌تری می‌باشد. انتخاب شعار فدرالیسم دو وظیفه موازی با هم را بردوش ما میگذارد، نخست مربوط به فلسفه وجودی و رمز ماندگاری حزب دمکرات کردستان می‌شود که همانا مبارزات قاطعانه و خستگی‌ناپذیر برای رهایی از تحت سلطه بودن و ستم ملی است. در این باره باید بدون واژه از اتهام بی‌اساس تجزیه‌طلبی بر ضرورت تأمین حقوق ملی ملت کرد تأکید نماییم و حتی جرم نیست که اگر ادعا کنیم ملت کرد باید حق تعیین سرنوشت در کامل‌ترین نوع آنرا داشته باشد و دولت ملی و مستقل خود را تشکیل دهد.

از سویی دیگر اگر ما با اراده آزاد خود فدرالیسم را بعنوان شعار استراتژیک خود برگزیده‌ایم، یک وظیفه‌ی دیگر را نیز بر دوش خود گذاشته‌ایم و آن همانا تلاش برای تفاهم و گسترش و تحکیم همکاری با گروه‌ها و نیروهای دمکراتیک ایران برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی و روی کار آوردن رژیمی است که جوابگوی حقوق و آزادی‌های کلیه‌ی بافتهای مردم ایران باشد و از این راه اتحاد آرزومندان و داوطلبانه در میان ملل ایران برقرار کنیم. این دو وظیفه و رسالت مکمل یکدیگر بوده و هر دو در خدمت سعادت همه‌ی مردم ایران و از جمله مردم کردستان می‌باشند.

اعضای محترم کنگره‌ی ۱۴ حزب دمکرات کردستان!

تنها سه روز پس از انشقاق در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران ما دیدگاههای خود را پیرامون مسائل مختلف تحت عنوان "رئوس کلی خط مشی ما" منتشر نموده‌ایم که تا امروز محتوی و جوهر اندیشه‌های سیاسی ما را تشکیل می‌دهند. بنابراین لازم دانستیم که غیر از مقدمه آن متن کامل این سند



تاریخی را بعنوان بخشی از گزارش کمیته‌ی مرکزی پیش روی شما قرار دهیم تا در کنگره اصل آن و یا اصلاحیه آن تصویب شود و بدین ترتیب به مشعل روشنایی بخش مبارزات حزب دمکرات کردستان تبدیل گردد. بخشی از نکاتی که قبلاً بدان اشاره شده بود. در "رئوس کلی خطی مشی ما" آمده بود، ما تنها برای تأکید بر اهمیت آن بار دیگر بدان پرداخته بودیم.

رفقا، خواهران و برادران گرامی!

در پایان این گزارش لازم می‌دانیم که یک بار دیگر بر حساس بودن وضعیت مبارزات ما در مقطع کنونی، سنگینی و در عین حال بزرگی وظایفمان و همچنین ضرورت حفظ اتحاد و آمادگی برای بر عهده گرفتن کار و مسئولیت از سوی یکایک اعضای حزب تأکید نماییم. با اطمینان می‌توان گفت که سیاست و اندیشه‌های ما مورد تأیید اکثریت نخبگان جامعه کردستان قرار دارد و اگر ما با اراده‌ای محکم سعی در اجرای برنامه‌ها و عملی کردن نگرش‌هایمان نماییم، اکثریت جامعه کردستان از ما حمایت خواهند نمود و بدین ترتیب هیچ قدرتی در جهان نخواهد توانست ما را از صحنه خارج نماید. موفقیت ما در گرو تلاش‌های وقفه‌ناپذیر و اراده‌ی مبارزاتی ما است.

پیروز باد کنگره ۱۴ حزب دمکرات کردستان

درد بر روان پاک شهیدان پیشوا قاضی محمد، دکتر قاسملو و دکتر

شرفکندی

درد بر زندانیان سیاسی و خانواده‌های سرفرازشان

درد بر توده‌های مردم کردستان، منبع نیرو و قدرت حزب دمکرات کردستان



درود بر معلولان و کلیه‌ی کسانی که در جنبش آزادیخواهانه‌ی کردستان
هزینه داده‌اند

درود بر نیروهای دمکرات و مترقی کردستان و سراسر ایران
درود بر تفاهم و اتحاد میان مبارزان راه آزادی و مرگ بر نفاق و تنش‌آفرینی
پاینده باد حزب دمکرات کردستان